

ارزیابی پیامدهای احتمالی انتقال آب حوضه زاب به دریاچه ارومیه

ناصر سلطانی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
میرنجف موسوی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
کلادیو احمدآقبال - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

وصول: ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۱

چکیده

تأمین آب مطمئن یکی از چالش‌های اساسی قرن حاضر است. یکی از راهکارهای تأمین آب، طرح انتقال بین حوضه‌ای آب است که می‌تواند در برخی موارد مفید و نجات‌بخش حوضه مقصد باشد. یکی از این طرح‌ها که اخیراً مورد بحث قرار گرفته است طرح انتقال آب از حوضه آبخیز رودخانه زاب به دریاچه ارومیه است؛ لذا هدف این پژوهش، آن است که با بهره‌گیری از نظر یکصد نفر از کارشناسان و متولیان ذی‌ربط، پیامدهای آمایشی (مثبت و منفی) این انتقال در دو حوضه مبدأ و مقصد شناسایی و با استفاده از تحلیل‌های آماری (رگرسیون خطی چندمتغیره) پیش‌بینی شود. نتایج مدل رگرسیون خطی نشان می‌دهد با توجه به وزن ضرایب استاندارد شده (بتا B) مؤلفه‌های مورد بررسی، به ترتیب پیامد منفی اجتماعی - فرهنگی (۰/۳۲۸)، پیامد منفی اقتصادی (۰/۲۴۹)، پیامد مثبت اقتصادی (۰/۲۱۶)، پیامد منفی زیست‌محیطی (۰/۲۱۰)، پیامد منفی سیاسی - امنیتی (۰/۱۷۴)، پیامد مثبت زیست‌محیطی (۰/۱۵۶)، پیامد مثبت سیاسی - امنیتی (۰/۰۸۷)، و پیامد مثبت اجتماعی - فرهنگی (۰/۰۷۰) محتمل‌ترین پیامدهایی است که پس از انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه ممکن‌الوقوع است. نکته جالب و قابل توجه این است که طبق نظر کارشناسان، انتقال آب به لحاظ زیست‌محیطی نمی‌تواند نجات‌بخش دریاچه ارومیه باشد و شاید به مثابه یک مُسکّن عمل کند. نتایج مدل معادلات ساختاری اثرگذاری هریک از مؤلفه‌ها بر اجرای طرح نیز نشان می‌دهد که در بین پیامدهای مثبت؛ مؤلفه زیست‌محیطی با میزان اثر (۰/۸۵) و از میان پیامدهای منفی؛ مؤلفه اجتماعی - فرهنگی با میزان اثر (۱/۱۰) بیشترین تأثیرگذاری را در اجرای طرح انتقال آب دارند.

واژگان کلیدی: انتقال بین حوضه‌ای آب، پیامدهای انتقال آب، رودخانه زاب، دریاچه ارومیه.

مقدمه

آب، شاهراه حیاتی تمدن بشری بوده و از زمان های بسیار قدیم دسترسی به آب عامل کلیدی در امر سکونت و توسعه شهرها بوده است (برگ کمپ^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۹). افزون بر آن، عنصر اصلی توسعه پایدار محسوب می شود و از دیگر سو برای انسان ها نیز لازم و ضروری است تا از سلامتی و تندرستی وزندگی سالم بهره مند شوند (مددی و همکاران، ۱۳۸۹)؛ همچنین یک منبع طبیعی کمیاب و حیاتی و در عین حال تجدیدپذیر و کالایی باارزش و غیر قابل جایگزین در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها و زیرساخت توسعه سایر بخش ها می باشد و از مهم ترین مؤلفه ها در حفظ تعادل و پایداری اکوسیستم و محیط زیست است (دفتر کشاورزی و آب اتاق ایران، ۱۳۹۲: ۲). اگرچه آب زیربنای بسیاری از اهداف توسعه این هزاره است، به طوری که نقش آن در تولید مواد غذایی به منزله بخشی از ریشه کنی گرسنگی و در بهداشت به عنوان ابزار اصلی برای کاهش عفونت ها و مرگ و میر کودکان حیاتی است ولی نقش آن در هدف تضمین پایداری محیط زیست بسیار پررنگ است (هارلین و کیلن^۲، ۲۰۱۵: ۸). اگر توسعه پایدار به معنی کاهش و رفع فقر، امنیت غذایی، امنیت انرژی، سلامت انسان و حفظ محیط زیست است قطعاً بدون آب امکان پذیر نخواهد بود. افزون بر این، یکی از مهم ترین شاخص های طرح های آمایش سرزمین، توجه به منابع آب و پتانسیل های تأمین آن در مناطق است که به طور جدی در بسیاری از طرح های توسعه، جامع و آمایش مناطق مختلف کشور مورد توجه قرار نگرفته است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳).

نظریه های مدیریتی مبتنی بر وفور منابع آب، امروزه باید بر فرض های محدودیت منابع آب ارائه شوند؛ لذا باید به نظریه های مدیریتی برای توسعه پایدار با توجه به محدودیت منابع آب نظری جدی انداخته شود (محمدرضایطبری، ۱۳۹۰). قرار گرفتن ایران در منطقه نیمه خشک و توزیع ناهمگون زمانی - مکانی بارش، نواحی با منابع آبی متفاوت به وجود آورده است (حلبیان و شبانکاری، ۱۳۸۹) به گونه ای که بیش از ۸۰٪ کشور پهناور ایران در مناطق خشک قرار گرفته و ۷۵٪ بارش ها تنها در ۱۱٪ کشور باریده می شود؛ لذا باید بپذیریم که در یکی از کشورهای خشک جهان زندگی می کنیم (علی محمدی، ۱۳۹۱). از مجموع ریزش های جوئی (میانگین بارندگی ۲۵۰-۲۴۰ میلی متر در سال) که معادل ۴۱۳ میلیارد مترمکعب است، ۷۱٪ به شکل تبخیر از دسترس خارج می گردد، ۹۳ میلیارد مترمکعب به صورت آب جاری در کشور روان می شود (۲۳٪) و ۲۵ میلیارد مترمکعب (۶٪) به آبخوان های آبرفتی کشور نفوذ می کند. با در نظر گرفتن حجم آب سطحی ورودی به کشور از طریق مرزها و رودخانه های مشترک، حجم جریان های سطحی کشور تا ۱۰۵ میلیارد مترمکعب افزایش می یابد. آب های زیرزمینی کشور نیز ۵۰ میلیارد مترمکعب است (مخدوم، ۱۳۹۲: ۶).

دریاچه ارومیه به عنوان یکی از حوزه های شش گانه آبریز کشور، در سطحی معادل ۵۱۸۷۶ کیلومتر مربع، در بخش قابل توجهی از قلمرو سرزمینی استان های آذربایجان غربی و شرقی و بخشی از استان کردستان واقع شده است. (اخوان و جودی حمزه آباد، ۱۳۹۴). دریاچه ارومیه با حجمی معادل ۳۲ میلیارد مترمکعب و با وسعت تقریبی ۵۳۲۰ کیلومتر مربع در میانه ناحیه شمالی حوضه دریاچه ارومیه قرار دارد (قبادی و همکاران، ۱۳۹۳). مشکل آب در ایران، با کوچک شدن دریاچه ارومیه که سومین دریاچه نمک جهان و بزرگ ترین دریاچه نمک خاورمیانه است، بیش از پیش مطرح گردید.

1- Bergkamp

2- Harlin & Kjellen

در سال‌های اخیر، تشدید پدیده خشکسالی و کاهش منابع آب ورودی به دریاچه ارومیه، باعث افت شدید تراز آب آن شده است. پیش‌بینی می‌شود با ادامه خشکسالی و خشک‌شدن بخش بیشتری از دریاچه و عدم اتخاذ تصمیمی مناسب، وزش بادهای ساحلی موجب انتقال نمک و ترسیب آن در زمین‌های کشاورزی اطراف دریاچه شده و در نتیجه باعث از بین رفتن مرغوبیت زمین‌های کشاورزی اطراف و تبدیل آن به شورزار شود که موجب ایجاد بیکاری و مهاجرت مردم منطقه خواهد شد. از دیگر سو، بادهای حاوی ذرات ریز نمک موجب ایجاد انواع بیماری‌های تنفسی در ساکنین مناطق اطراف دریاچه شود (عباسی و رضازاده، ۱۳۹۲). شاید آنچه بر سر دریاچه ارومیه می‌آید یکی از آشکارترین نمونه‌های کل‌کره زمین است که نشان می‌دهد ما انسان‌ها چقدر سریع می‌توانیم محیط‌زیست خود را نابود کنیم (احمدیان و اصغری، ۱۳۹۲). معضل خشک‌شدن دریاچه ارومیه به عنوان بزرگترین دریاچه داخلی کشور دارای اهمیت استراتژیکی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای کشور است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱).

از مهم‌ترین طرح‌های مطرح‌شده در این باره می‌توان به انتقال پساب تصفیه‌خانه‌های حوضه آبریز به دریاچه ارومیه، رهاسازی آب ذخیره‌شده سدهای استان از جمله سد شهید کاظمی، لایروبی رودخانه‌های حوضه دریاچه، تجهیز زمین‌های کشاورزی به سیستم آبیاری مدرن و انتقال بین‌حوضه‌ای آب اشاره کرد. طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای آب که برای احیای دریاچه پیشنهاد شده عبارت‌اند از: انتقال آب از دریای خزر، رودخانه ارس و حوضه آبریز زاب. در این بین تنها گزینه قابل اجرا، گزینه انتقال آب از زاب است که مورد تصویب واقع شده و در حال اجرا می‌باشد؛^۱ که در قالب سیستم جمع‌آوری و تونل‌های انتقال از دریاچه سدهای مخزنی کانی سیب و سیلوه به حوضه رودخانه گدار و در نهایت دریاچه ارومیه صورت می‌گیرد (قنوتی و همکاران، ۱۳۹۴).

انتقال بین‌حوضه‌ای آب عبارت از انتقال فیزیکی آب از یک حوضه آبریز به حوضه دیگر است (حلبیان و شبانکاری، ۱۳۸۹). در این جابه‌جایی، یک حوضه آبریز آب از دست می‌دهد و حوضه دیگر آب به دست می‌آورد (قدرت‌نما، ۱۳۸۳). اگرچه قدمت انتقال آب به صدها سال پیش برمی‌گردد ولی ضرورت طرح این موضوع از ۲۰۰ سال پیش تا کنون بیشتر احساس شده است و اجرای کارگاه‌ها، سمینارها و همایش‌های بین‌المللی با هدف بررسی و شناسایی مسائل انتقال بین‌حوضه‌ای همچون همایش بین‌حوضه‌ای در ایالت نوادا در آمریکا در سال ۱۹۹۲ در پاریس تأکیدی بر این موضوع است (مطیعی، ۲۰۰۰: ۱۸). اوج طراحی و اجرای پروژه‌های عظیم انتقال آب در کشورهای صنعتی و پیشرفته به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بازمی‌گردد و به گفته وایت، دهه ۱۹۷۰ میلادی نقطه عطفی در مدیریت منابع آب جهان بوده است (وایت^۲، ۱۹۷۷: ۳). بر همین اساس، ارزیابی و تحلیل اثرات منفی و مثبت این انتقال، هم بر حوضه مبدأ و هم بر حوضه مقصد با رویکرد آمیختگی، مهم‌ترین هدف این مقاله می‌باشد. بر همین اساس، به نظر می‌رسد که این طرح انتقال بین‌حوضه‌ای، واجد پیامدهای منفی در مبدأ و مثبت در حوضه مقصد خواهد بود.

بررسی پیشینه پژوهش هم نشان می‌دهد که در ابعاد مختلف سیاسی - امنیتی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی، اثرات منفی و مثبت ناشی از انتقال آب را می‌توان مشاهده نمود. در نگاه اول، پیامدهای زیست‌محیطی انتقال بین‌حوضه‌ای آب، موضوعی بسیار آشکار است و غالب موافقان و منتقدان انتقال آب، روی این بخش از پیامدهای انتقال آب، تمرکز بیشتری می‌نمایند. احیای چشم‌اندازهای طبیعی، بهبود وضعیت آب

1- <http://ulrp.sharif.ir>

2- White

سفره‌های زیرزمینی و چاه‌های آب و بهبود وضعیت تالاب‌ها و رودخانه‌ها از جمله پیامدهای مثبت انتقال آب برای حوضه مقصد بوده اما در مقابل، منتقدان انتقال بین حوضه‌ای آب به پیامدهای منفی این اقدام چون برهم خوردن اکوسیستم رودخانه، خشک شدن چشمه‌ها، قنوت و تحلیل سفره‌های آب‌های زیرزمینی، بیابان‌زایی و تغییر اقلیم (احمدیان و اصغری، ۱۳۹۲؛ یان^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۷؛ سعیدی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷؛ خدابخشی و خدابخشی، ۱۳۸۵؛ کَنپ و همکاران، ۲۰۰۳؛ کاراکایا^۲ و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۰۳ و کاکس، ۱۹۹۹: ۱۵۵) تأکید می‌نمایند.

آب به عنوان یکی از بنیادهای زیستی و مهم‌ترین عنصر در تحقق اهداف برنامه‌های جامع توسعه از جمله برنامه آمایش سرزمین است. تحرک بخشی به بخش‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی چون خدمات، کشاورزی و صنعت و نقش غیر قابل انکار آن در بهبود شاخص‌های توسعه انسانی از جمله ویژگی‌های بارز این منبع مهم طبیعی است. اهمیت اقتصادی آب به اندازه‌ای بالاست که موافقان انتقال بین حوضه‌ای آب، از آن به عنوان عاملی برای افزایش تولیدات و درآمد بخش کشاورزی، ایجاد و توسعه صنایع کوچک و بزرگ وابسته به آب، کاهش قیمت آب مصرفی، بالا رفتن ارزش زمین، رونق دام‌پروری و صرفه بالای اقتصادی این روش تأمین آب یاد می‌کنند؛ اما در عین حال، مخالفان این اقدام، به موضوع انتقال آب به عنوان چالش و مسئله بزرگ اقتصادی برای حوضه مبدأ نگاه می‌کنند که پیامدهای منفی متعددی چون هزینه‌های سنگین ملموس و غیر ملموس برای اجرای طرح انتقال، کاهش سود بخش کشاورزی، توقف تولید در صنایع کوچک وابسته به کشاورزی، افزایش قیمت آب مصرفی و کاهش ارزش زمین (صفوی، ۱۳۹۱؛ فنچ^۳ و همکاران، ۲۰۰۷؛ خدابخشی و خدابخشی، ۱۳۸۵؛ کَنپ^۴ و همکاران، ۲۰۰۳ و کاکس، ۱۹۹۹: ۱۵۲) را با خود به همراه خواهد داشت.

در کنار پیامدهای مهم اقتصادی و زیست‌محیطی ناشی از انتقال آب، می‌توان به پیامدهای سیاسی - امنیتی مثبت ناشی از این اقدام چون جلوگیری از اختلافات و مناقشات ناشی از کمبود آب کشاورزی، ایجاد و تقویت حس رضایت از عملکرد دولت و مسئولین امر و افزایش سرمایه‌های اجتماعی از جمله مشارکت‌های سیاسی اشاره داشت؛ اما در عین حال نمی‌توان از چالش‌های سیاسی - امنیتی احتمالی ناشی از این انتقال آب چون ایجاد تنش‌های قومی بین حوضه مبدأ و مقصد، ایجاد اندیشه شورش و استقلال طلبی در صورت احساس بی‌عدالتی اجتماعی و امکان شکایت کشور همجوار به مجامع بین‌المللی (اخباری و همکاران، ۱۳۸۶) غفلت نمود. همچنین توجه به نتایج اجتماعی و فرهنگی ناشی از این اقدام چون جلوگیری از مهاجرت بسیاری از روستاییان و عشایر، ایجاد رضایت‌مندی اجتماعی، انگیزش بیشتر برای انجام فعالیت‌های وابسته به آب و افزایش سطح رفاه اجتماعی در حوضه مقصد از یک سو و حاشیه‌نشینی و بیکاری روستاییان و عشایر ساکن کنار رودخانه، به وجود آمدن مناقشات آبی بین ساکنین حوضه مبدأ، ایجاد حس تبعیض و رقابت در بین ساکنین حوضه مبدأ از دیگر سو (بازرلو و ذاکری‌نیا، ۱۳۹۱؛ سمیعی و همکاران، ۱۳۹۱؛ خدابخشی و خدابخشی، ۱۳۸۵؛ کاکس^۵، ۱۹۹۹: ۱۴۱)، نتایج مورد انتظار ناشی از این اقدام است.

معرفی منطقه مورد بررسی

قرارگیری سه حوضه آبریز از شش حوضه کشور در پهنه سرزمینی استان آذربایجان غربی، شرایط متفاوت و خاصی

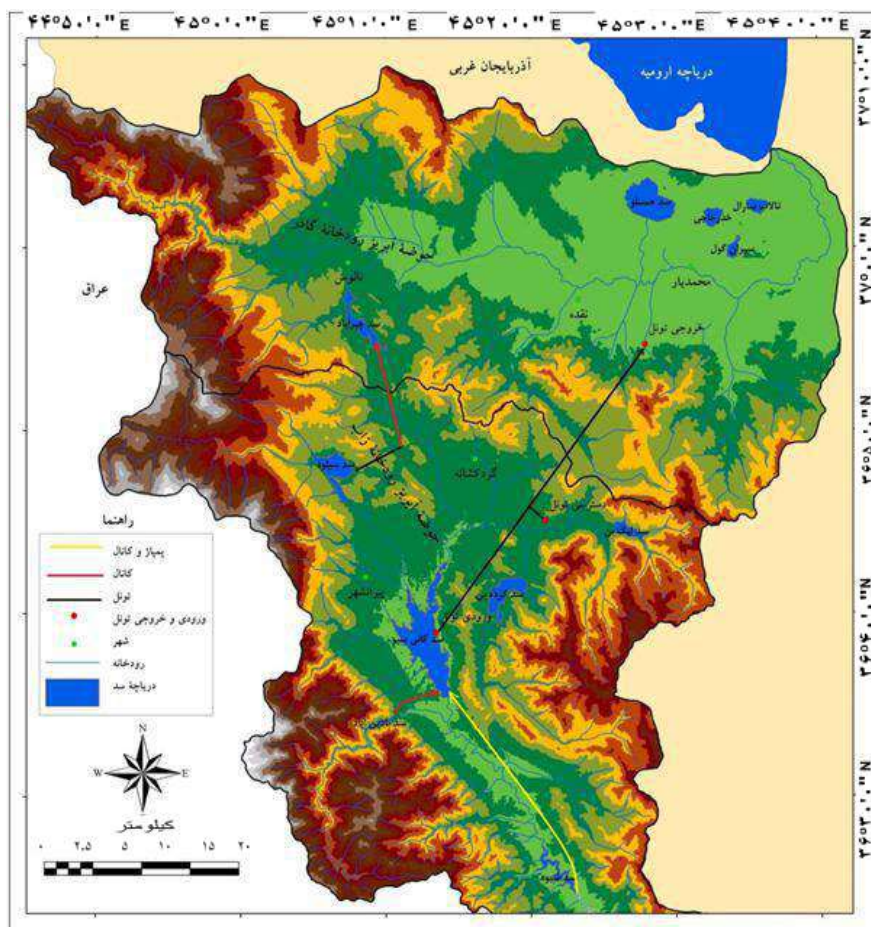
1- Yan
2- Karakaya
3- Feng
4- Knapp
5- Cox

را برای استان ایجاد کرده است. حوضه آبریز خزر با حوضه فرعی ارس در شمال استان، دریاچه ارومیه در بخش‌های مرکزی استان و حوضه آبریز خلیج فارس به حوضه فرعی زاب در جنوب استان ترسیم‌کننده سیمای هیدرولوژیکی استان می‌باشد. مورد مطالعه در این پژوهش، انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه است (شکل ۱).

این طرح انتقال آب، شامل طرح ساخت تونل انتقال آب گلاس جهت انتقال بخشی از آب رودخانه لایین (سرشاخه اصلی رودخانه زاب) به سمت حوضه آبریز دریاچه ارومیه و دشت نقده است. انتقال آب این رودخانه از طریق یک تونل به طول ۳۵۷۰۰ متر امکان‌پذیر خواهد بود. قطر تمام‌شده این تونل ۵/۵ متر و میزان آب انتقالی به حوضه دشت نقده و دریاچه ارومیه حدود ۶۲۳ میلیون مترمکعب در سال در نظر گرفته شده است. ابتدای تونل در حدود ۷ کیلومتری شمال شرق پیرانشهر و خروجی آن در ۸ کیلومتری جنوب - جنوب شرق شهر نقده قرار دارد. دهانه ورودی این تونل، از بالادست مخزن سد گلاس آبگیری می‌نماید و دهانه خروجی آن در دامنه شمالی کوهستان بیگم قلعه، آب را وارد دشت نقده و حوضه آبریز دریاچه ارومیه خواهد نمود.

مواد و روش‌ها

در مرحله نخست، با مطالعه پیشینه مطالعاتی موضوع مورد مطالعه، اقدام به استخراج متغیرهای (سیاسی - امنیتی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی) مثبت و منفی سیاست انتقال بین‌حوضه‌ای آب شد. در مرحله دوم و در بخش پیمایش مطالعه، پرسشنامه‌ای طراحی شد و پس از سنجش روایی، پرسشنامه مزبور در بین جامعه آماری پژوهش در دو حوضه مبدأ و مقصد و با ترکیب پاسخگویان اساتید دانشگاهی و مدیران دستگاه‌های اجرایی



شکل ۱. مسیر انتقال بین‌حوضه‌ای آب از زاب به دریاچه ارومیه

تکمیل شد. در مرحله سوم، برای سنجش میزان همبستگی و ارتباط بین متغیرها و میزان اثرگذاری هریک از متغیرها بر دیگر از ضریب همبستگی پیرسون و برای پیش‌بینی پیامدهای انتقال آب در دو حوضه مبدأ و مقصد از رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شد. با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از رگرسیون خطی، شاخص‌هایی که پیامدهای مثبت دارند و شاخص‌هایی که اثر آنها بر پیامدهای انتقال بین حوضه‌ای آب (متغیر وابسته) تعیین‌کننده هستند و برای کاهش اثرات مخرب آن نیاز به شناسایی داشتند، بر اساس مؤلفه‌های مورد بررسی، محاسبه و پیش‌بینی شدند. در مرحله چهارم، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت مشخص شدن میزان تأثیر انتقال بین حوضه‌ای آب بر هریک از مؤلفه‌ها و گویه‌های انتخاب‌شده، از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار لیزرل^۱ استفاده شده است. پس از بررسی و پیش‌بینی پیامدهای مختلف انتقال آب از طریق رگرسیون خطی چندمتغیره، برای بررسی و مشاهده اثرات مستقیم و غیرمستقیم هریک از زیرمعیارها بر امکان‌سنجی طرح انتقال آب از مدل معادلات ساختاری استفاده شد.

نتایج

بررسی میزان همبستگی و روابط بین متغیرها و سنجش روایی آنها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون
با توجه به نتایج جدول مستخرج از ضریب همبستگی پیرسون به نظر می‌رسد یک ارتباط قوی و همبستگی مناسب بین شاخص‌های انتخاب‌شده برقرار است. به طوری که همبستگی میان متغیر وابسته تحقیق (پیامدهای انتقال آب) با هشت متغیر مستقل تحقیق در سطح ۰/۰۱٪ معنادار است و با ۰/۹۹٪ اطمینان می‌توان این همبستگی را تأیید کرد. در این میان، ارتباط متغیر وابسته با متغیرهای مستقل بر اساس میزان همبستگی به این صورت است که به ترتیب، پیامد مثبت اقتصادی با ۰/۷۵۴، پیامد منفی اجتماعی فرهنگی با ۰/۷۴۵، پیامد مثبت زیست‌محیطی با ۰/۷۳۰، پیامد منفی اقتصادی با ۰/۷۱۵، پیامد مثبت اجتماعی فرهنگی با ۰/۶۴۴، پیامد منفی زیست‌محیطی با ۰/۵۹۵، پیامد منفی امنیتی سیاسی با ۰/۵۲۳ و پیامد مثبت امنیتی سیاسی با ۰/۴۳۲ بیشترین همبستگی و ارتباط را برقرار کرده‌اند. ارتباط و همبستگی هریک از متغیرهای مستقل با یکدیگر نیز به صورت ماتریس مقایسات زوجی در جدول ۱ قابل مشاهده است.

با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از رگرسیون خطی، شاخص‌هایی که پیامدهای مثبت دارند و شاخص‌هایی که اثر آنها بر پیامدهای انتقال بین حوضه‌ای آب (متغیر وابسته) تعیین‌کننده هستند و برای کاهش اثرات مخرب آن به شناسایی نیاز داشتند، بر اساس مؤلفه‌های مورد بررسی محاسبه و پیش‌بینی شد. در این محاسبات، پیامدهای مثبت اقتصادی، پیامدهای منفی اجتماعی - فرهنگی، پیامد مثبت زیست‌محیطی، پیامدهای منفی اقتصادی، پیامدهای مثبت اجتماعی فرهنگی، پیامدهای منفی زیست‌محیطی، پیامدهای منفی امنیتی - سیاسی و پیامدهای مثبت امنیتی - سیاسی به عنوان هشت متغیر مستقل و شاخص‌های تلفیقی پیامدهای انتقال آب به عنوان متغیر تابع در نظر گرفته شده است تا احتمالات پیش‌آمد هرکدام از شاخص‌های و مؤلفه‌های مذکور در مناطق مورد مطالعه مشخص گردد. برازش مدل حاکی از آن است که بین بخش‌های نه‌گانه (تمامی بخش‌ها)، ارتباط معنی‌داری با سطح اطمینان ۰/۹۹٪ وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب تعیین (جدول ۲)، بخش‌های نه‌گانه داده‌شده میزان ۰/۹۹/۸ از تغییرات و پیامدهای مورد نظر را تبیین می‌کند که در واقع مقدار چشم‌گیری است و تنها ۰/۲۰٪ توسط عوامل ناشناخته تبیین و پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۲. جدول آماره‌های برازش مدل رگرسیون خطی

Model Summary				
Model	رگرسیون خطی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تصحیح شده	اشتباه معیار
۱	۰/۹۹۹	۰/۹۹۸	۰/۹۹۸	۰/۱۳

جدول ۳ تحلیل واریانس رگرسیون خطی پیامدهای مورد بررسی در مناطق مورد نظر و معنی دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها با سطح معنی داری (۰/۰۰۰) و کمیّت بالا و مناسب F را نشان می‌دهد. در واقع این جدول نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به طور معنی داری (مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کند. برای بررسی معنی داری به ستون آخر جدول نگاه می‌کنیم. این ستون، معنی داری آماری مدل رگرسیون را نشان می‌دهد که چنانچه میزان به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ باشد نتیجه می‌گیریم که مدل به کار رفته، پیش بینی کننده خوبی برای متغیر وابسته است. میزان معنی داری در مثال ما کمتر از میزان ۰/۰۵ است که بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنی دار است.

جدول ۴، اطلاعاتی را در مورد متغیرهای پیش بین به ما می‌دهد. مشاهده می‌کنیم که متغیرهای مستقل و متغیر تابع همگی در مدل معنی دار شده‌اند. پس از تعیین معنی دار بودن مقدار ثابت و متغیر پیامدها، ستون ضرایب استاندارد شده بیانگر ضریب رگرسیونی استاندارد شده یا مقدار بتا است. با توجه به وزن ضرایب استاندارد شده (بتا B) مؤلفه‌های مذکور، به ترتیب پیامد منفی اجتماعی - فرهنگی (۰/۳۲۸)، پیامد منفی اقتصادی (۰/۲۴۹)، پیامد مثبت اقتصادی (۰/۲۱۶)، پیامد منفی زیست محیطی (۰/۲۱۰)، پیامد منفی سیاسی - امنیتی (۰/۱۷۴)، پیامد مثبت زیست محیطی (۰/۱۵۶)، پیامد مثبت سیاسی - امنیتی (۰/۰۸۷) و پیامد مثبت اجتماعی - فرهنگی (۰/۰۷۰) محتمل ترین پیامدهایی است که پس از انتقال آب از دریاچه زاب به دریاچه ارومیه ممکن الوقوع است. با نگاه به مقادیر B مشخص است که با یک واحد تغییر در انحراف معیار شاخص‌های پیامد مثبت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی - امنیتی، پیامد منفی اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی - امنیتی به ترتیب به اندازه ۰/۱۳۱، ۰/۱۲۴، ۰/۰۳۶، ۰/۱۱۳، ۰/۱۲۷، ۰/۱۴۰، ۰/۲۰۵ و ۰/۱۳۹ واحد تغییر در متغیر وابسته ایجاد خواهد شد.

جهت ایجاد معادله رگرسیونی از میزان ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) استفاده می‌کنیم. معادله رگرسیونی جهت پیش بینی دقیق مقادیر متغیر وابسته مورد استفاده قرار می‌گیرد و معادله آن بر اساس رابطه ۱ بدین صورت است:

$$Y = a + bx \quad \text{رابطه ۱}$$

است. بر اساس ستون ضرایب غیراستاندارد، معادله رگرسیون به صورت رابطه ۲ است:

$$Y = -0.275 + 0.131 \cdot 0.124 + 0.036 + 0.113 + 0.127 + 0.14 + 0.205 + 0.139 \quad \text{رابطه ۲}$$

جدول ۳. تحلیل واریانس رگرسیون خطی (ANOVA)

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات	کمیت f	سطح معنی داری (sig)
اثر رگرسیونی	۶۹۳/۳۴۲	۸	۸۶/۶۶۸	۴۸۴۶/۱۲۵	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱/۴۴۹	۸۱	۰/۰۱۸		
کل	۶۹۴/۷۹۱	۸۹	-		

جدول ۴. ضریب همبستگی مدل رگرسیونی بخش‌های مختلف پیامدهای مورد بررسی

سطح معنی‌داری	t	ضرایب غیراستاندارد		نام شاخص‌ها
		ضرایب استاندارد شده	خطا B	
۰/۰۰۰	۱۴/۹۰۸	۰/۲۱۶	۰/۰۰۹	پیامد مثبت اقتصادی
۰/۰۰۰	۱۹/۲۴۸	۰/۱۵۶	۰/۰۰۶	پیامد مثبت زیست‌محیطی
۰/۰۰۰	۷/۴۹۶	۰/۰۷۰	۰/۰۰۵	پیامد مثبت اجتماعی - فرهنگی
۰/۰۰۰	۱۲/۸۵۲	۰/۰۸۷	۰/۰۰۹	پیامد مثبت سیاسی - امنیتی
۰/۰۰۰	۱۷/۹۰۱	۰/۲۴۹	۰/۰۰۷	پیامد منفی اقتصادی
۰/۰۰۰	۲۹/۴۱۷	۰/۲۱۰	۰/۰۰۵	پیامد منفی زیست‌محیطی
۰/۰۰۰	۳۴/۲۵۰	۰/۳۲۸	۰/۰۰۶	پیامد منفی اجتماعی - فرهنگی
۰/۰۰۰	۲۳/۴۶۰	۰/۱۷۴	۰/۰۰۶	پیامد منفی سیاسی - امنیتی

با در نظر گرفتن مدل رگرسیونی، پیامدهای تأثیرگذار پیش‌بینی شده به شرح ذیل هستند:

پیامدهای منفی اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، پیامد مثبت اقتصادی، پیامدهای منفی زیست‌محیطی، سیاسی - امنیتی، پیامدهای مثبت زیست‌محیطی، سیاسی - امنیتی و اجتماعی - فرهنگی.

بنابر نتایج مدل رگرسیونی و تفاسیر فوق، به نظر می‌رسد پیامدهای منفی انتقال آب از دریاچه زاب به دریاچه ارومیه (در حوضه مبدأ) بیشتر و قابل وقوع‌تر از پیامدهای مثبت آن (در حوضه مقصد) است؛ چراکه پیش‌بینی پیامدهای منفی اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاسی - امنیتی از نظر کارشناسان متصورتر بوده و پس از آن به پیامدهای مثبت خوش‌بین بوده‌اند؛ لذا توصیه می‌شود قبل از اجرای این طرح که چندی است مطرح شده است، بررسی‌های عمیق و دقیق صورت گیرد و با توجه به تبعات منفی اجرای طرح، یا با تلاش و مدیریت قوی اثرات منفی ناشی از انتقال آب را به حداقل ممکن رساند و پیامدهای مثبت را تقویت کرد.

مدل معادلات ساختاری اثرگذاری پیامدهای پیش‌بینی شده بر انتقال بین حوضه‌ای آب از رودخانه زاب به دریاچه ارومیه

پس از بررسی و پیش‌بینی پیامدهای مختلف انتقال آب از طریق رگرسیون خطی چندمتغیره، برای بررسی و مشاهده اثرات مستقیم و غیرمستقیم هریک از زیرمعیارها بر امکان‌سنجی طرح انتقال آب از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار لیزرل استفاده شد.

چنانکه اشاره شد انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه قطعاً هم پیامدهای مثبت و هم تبعات منفی را به دنبال خواهد داشت که در این بخش ابتدا پیامدهای مثبت و سپس پیامدهای منفی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از انجام تحلیل نظرات کارشناسان که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد؛ خروجی نرم‌افزار لیزرل و برازش مدل در جدول ۵ قابل مشاهده است. مطابق با اطلاعات جدول ۵ شاخص‌های برازش الگوی آزمون شده که گزارش شده‌اند، برازش مناسبی با داده‌های گردآوری شده دارد. این شاخص‌ها عبارت‌اند از شاخص نیکویی برازش^۱ و برازش تطبیقی^۲ که مقادیر بیشتر از ۰/۹ نشانگر برازش مناسب الگوی هستند، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته^۳ که مقادیر بیشتر از ۰/۸ قابل قبول هستند و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب^۴ که مقادیر کمتر از ۰/۰۸ نشانگر برازش مناسب الگو هستند.

1- GFI
2- CFI
3- AGFI
4- RMSEA

جدول ۵. شاخص‌های برازش برای مدل ساختاری تأثیر متغیرهای مستقل (پیامدهای مثبت) مورد بررسی بر متغیر وابسته

شاخص‌ها	نام شاخص	مدل اصلاح شده	برازش قابل قبول
برازش مطلق	سطح تحت پوشش کای اسکور	۰/۰۹	بزرگ‌تر از ۰/۰۵٪
	نیکویی برازش	۰/۹۵	$GFI > ۰.۹۰$
	نیکویی برازش اصلاح‌شده	۰/۹۴	$AGFI > ۰.۹۰$
برازش تطبیقی	برازش نرمال‌نشده	۰/۹۵	$NNFI > ۰.۹۰$
	برازش نرمال‌شده	۰/۹۲	$NFI > ۰.۹۰$
	برازش تطبیقی	۰/۹۱	$GFI > ۰.۹۰$
	برازش افزایش	۰/۹۰	$IFI > ۰.۹۰$
برازش تقلیل یافته	شاخص برازش نرمال تقلیل‌یافته	۰/۸۵	بالاتر از ۰/۵۰٪
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰/۰۶۷	RMSEA % کمتر از ۱۰
	کای اسکور نرمال‌شده به درجه آزادی	۱/۳۳	۱ تا ۳

بر اساس نمودارهای خروجی نرم‌افزار لیزرل از تخمین غیراستاندارد تحلیل مسیر پیامدهای مثبت پروژه انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه، هر یک از چهار مؤلفه مورد بررسی، اثرات مستقیمی را به ترتیب زیر گذاشته‌اند: پیامدهای مثبت زیست‌محیطی با اثر مستقیم ۰/۸۵، پیامدهای مثبت اجتماعی - فرهنگی با اثر مستقیم ۰/۷۷، پیامدهای مثبت اقتصادی با اثر مستقیم ۰/۶۷، پیامدهای مثبت سیاسی - امنیتی با اثر مستقیم ۰/۵۳ از آنجا که قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود؛ و همان‌طور که قبلاً ذکر شد اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت اثرات مستقیم مؤلفه‌ها و همچنین تمامی اثرات غیرمستقیم متغیرهای قابل مشاهده، معنی‌دار و قوی هستند. در این میان، چنانچه بیان شد پیامدهای مثبت زیست‌محیطی با میزان اثر مستقیم ۰/۸۵ بیشترین و پیامدهای مثبت سیاسی امنیتی با میزان اثر مستقیم ۰/۵۳ کمترین اثرگذاری را از نظر کارشناسان بر فرایند انتقال آب دارند و یا به عبارتی پیامدهای محتمل تری هستند. در ادامه به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم هشت متغیر مستقل تحقیق بر متغیر وابسته (پیامدهای انتقال آب) به صورت مجزا پرداخته می‌شود.

بر اساس نمودارهای خروجی نرم‌افزار لیزرل از معنی‌داری اعداد در تحلیل مسیر پیامدهای مثبت پروژه انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه، یافته‌ها بیانگر معنی‌داری اعداد مربوط به مؤلفه‌های مورد بررسی (اعم از بار عاملی و خطاهای آن) و همبستگی بین متغیرهای هشت‌گانه مکنون اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی - امنیتی (مثبت و منفی) است زیرا معنی‌داری اعداد (t-value) از ۱/۹۶ بزرگتر است.

بر اساس نمودارهای خروجی نرم‌افزار لیزرل از الگوی تحلیلی تأثیرگذاری مؤلفه‌های انتخابی بر متغیر وابسته در حالت معنی‌داری پروژه انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه، نشان می‌دهد که یک نوع همبستگی و ارتباط منطقی و معنی‌دار در ارتباط مؤلفه‌ها نسبت به یکدیگر ایجاد شده است. بر اساس نتایج به دست آمده از نظرات کارشناسان، اهداف و پیش‌بینی‌های اصلی و اولیه از انتقال آب رودخانه زاب به دریاچه ارومیه قبل از هر هدف دیگری متوجه مسائل زیست‌محیطی در حوضه مقصد است. چرا که دلیل اصلی این انتقال، احیای دریاچه ارومیه و حیات‌بخشی به آن است؛ لذا مؤلفه زیست‌محیطی به ارزش ۰/۸۵ بیشترین اثرگذاری را بر اجرای طرح انتقال آب به دریاچه ارومیه دارد. از بین ۹ فاکتور زیست‌محیطی، بهبود وضعیت تراز اکولوژیکی دریاچه، احیای چشم‌اندازهای طبیعی در حوضه مقصد، پرآب‌شدن برکه‌ها و رودخانه‌های پایین‌دست رودخانه، جلوگیری از به وجود آمدن هزاران هکتار بیابان نمک و کنترل ریزگردها، بهبود وضعیت آب سفره‌های زیرزمینی و چاه‌های آب در حوضه مقصد، جلوگیری از تغییر الگوی کشت، تلطیف نسبی آب‌وهوای منطقه، جلوگیری از انقراض گونه‌های مختلف آبی موجود در دریاچه ارومیه

و بهبود وضعیت تالاب‌های اقماری دریاچه ارومیه به ترتیب بر اساس میزان اثر مستقیم و غیرمستقیم در جدول زیر بیشترین اثرگذاری را بر اجرای طرح یاد شده دارند.

برای بررسی پیامدهای منفی انتقال بین حوضه‌ای آب و اثرات آن بر اجرای طرح همان مراحل بالا انجام شده است که در این بخش تشریح می‌شود. بر اساس جدول ۶ نیکویی برازش مدل ساختاری برای پیامدهای منفی نیز همانند پیامدهای مثبت، قابل قبول است و نشان‌دهنده مدلی مناسب و قابل اطمینان می‌باشد.

بر اساس نمودارهای خروجی نرم‌افزار لیزرل از تخمین غیراستاندارد تحلیل مسیر پیامدهای منفی پروژه انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه، میزان اثرگذاری پیامدهای منفی در حوضه مبدأ بر اجرای طرح انتقال استخراج شد. در واقع، هر یک از این پیامدها به نحوی می‌تواند بر اجرا و یا عدم اجرای طرح انتقال آب اثرگذار باشد. از بین چهار عامل مورد بررسی مشخص شد که پیامدهای منفی اجتماعی - فرهنگی با میزان اثر ۱/۱۰، پیامدهای منفی زیست‌محیطی با میزان اثر ۰/۴۸، پیامدهای منفی سیاسی - امنیتی با میزان اثر ۰/۴۳ و پیامدهای منفی اقتصادی با میزان اثر ۰/۳۹ به ترتیب بیشترین اثرگذاری را بر امکان‌سنجی اجرای طرح انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه دارند. نتایج گویای این واقعیت است که به دلایل مختلف از جمله تفاوت قومی و مذهبی در دو حوضه مبدأ و مقصد، طرح انتقال آب اگر در حوضه مقصد و دریافت‌کننده، بهبود وضعیت زیست‌محیطی و اقتصادی را به دنبال داشته باشد ولی هم‌زمان تبعات منفی فرهنگی و اجتماعی را نیز در حوضه مبدأ یا ارسال‌کننده خواهد داشت. ضمن اینکه بر اساس نتایج به دست آمده این انتقال آب، نه تنها نمی‌تواند به طور کامل دریاچه ارومیه را احیا و از خطر خشکیدن نجات دهد بلکه تبعات زیست‌محیطی از جمله کاهش سطح آب رودخانه و تقلیل کیفیت آن، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، برهم خوردن اکوسیستم رودخانه و... را در حوضه مبدأ یا انتقال‌دهنده به دنبال خواهد داشت.

بر اساس نمودارهای خروجی نرم‌افزار لیزرل از معنی‌داری اعداد در تحلیل مسیر پیامدهای منفی پروژه انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه، تمامی چهار مؤلفه و ۲۹ فاکتور زیرمجموعه آن، به جزء شاخص هفتم از مؤلفه زیست‌محیطی و شاخص سوم از مؤلفه سیاسی - امنیتی در حالت معنی‌داری قرار دارند و اثراتی بیش از ۱/۹۶ گذاشته‌اند. البته به دلیل میزان مجذور خطای مربعات که در این مدل بسیار پایین است (۰/۰۵۹) هیچ‌گونه اختلالی در برازش مدل وارد نکرده و قابل چشم‌پوشی است.

جدول ۶. شاخص‌های برآزش برای مدل ساختاری تأثیر متغیرهای مستقل (پیامدهای منفی) مورد بررسی بر متغیر وابسته

شاخص‌ها	نام شاخص	مدل اصلاح شده	برآزش قابل قبول
برآزش مطلق	سطح تحت پوشش کای اسکور	۰/۰۹	بزرگتر از ۰/۰۵٪
	نیکویی برازش	۰/۹۴	$GFI > > ۹۰$
	نیکویی برازش اصلاح‌شده	۰/۹۲	$AGFI > > ۹۰$
برآزش تطبیقی	برآزش نرمال‌نشده	۰/۹۵	$NNFI > > ۹۰$
	برآزش نرمال‌شده	۰/۹۲	$NFI > > ۹۰$
	برآزش تطبیقی	۰/۹۱	$GFI > > ۹۰$
	برآزش افزایش	۰/۹۰	$IFI > > ۹۰$
برآزش تقلیل یافته	شاخص برازش نرمال‌یافته	۰/۸۸	بالتر از ۵۰٪
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰/۰۵۹	RMSEA % کمتر از ۱۰
	کای اسکور نرمال‌شده به درجه آزادی	۱/۳۱	۳ تا ۱

الگوی تحلیلی تأثیرگذاری مؤلفه‌های انتخابی بر متغیر وابسته در حالت معنی‌داری نیز یک ارتباط معنی‌دار و مناسب را در بین چهار مؤلفه مورد بررسی نشان می‌دهد که در این میان، دو مؤلفه زیست‌محیطی و اجتماعی - فرهنگی با شدت ارتباط ۰/۵۲ بیشترین تناسب و ارتباط را با یکدیگر برقرار کرده‌اند. همان‌طور که در مباحث بالا نیز اشاره شد، برای بررسی پیامدهای منفی انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه چهار مؤلفه اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - امنیتی در نظر گرفته شده است. مؤلفه اجتماعی - فرهنگی از میان پیامدهای منفی به عنوان اثرگذارترین مؤلفه با میزان اثرگذاری ۱/۱۰ انتخاب شده است. دور از انتظار نیست انتقال آب از حوضه‌ای با فرهنگ و مذهب و زبان متفاوت نسبت به حوضه مقصد و با علم به اینکه این انتقال ممکن است در درازمدت حوضه مبدأ را نیز به لحاظ زیست‌محیطی و اقتصادی تحت تأثیر قرار دهد؛ تبعات و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی داشته باشد.

بحث

پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای یک گزینه مناسب برای تعادل توزیع غیریکنواخت مکانی و زمانی منابع و نیازهای آبی به خصوص در مناطق خشک و نیمه‌خشک می‌باشد (کارآموز^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). انتقال بین حوضه‌ای آب می‌تواند منشأ تغییرات زیادی در حوضه‌های مبدأ و مقصد باشد که باید از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. این امر، می‌بایست با لحاظ نمودن عوامل فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی و تأکید بر ملاحظات اجتماعی و سیاسی صورت گیرد (حلبیان و شبانکاری، ۱۳۸۹). یک پروژه انتقال آب در صورتی قابل اجرا است که امکان‌پذیری فنی آن تأیید شده و ارزیابی زیست‌محیطی و اقتصادی انجام آن قابل توجیه باشد. افزون بر این موارد، ارزیابی اجتماعی لازم را داشته باشد. بر اساس استانداردهای تعریف‌شده از سوی یونسکو، ناحیه مقصد باید پس از توجه به منابع جایگزین تأمین آب و تمامی اقدامات منطقی برای کاهش تقاضای آب، در تأمین نیازهای فعلی و پیش‌بینی‌شده، کمبود جدی داشته باشد تا طرح انتقال آب قابل توجیه گردد. در واقع، تأکید یونسکو بر انجام تمامی اقدامات منطقی کاهش تقاضای آب، نشان‌دهنده اولویت مدیریت تقاضا بر مدیریت عرضه است؛ یعنی اگر کمبود آبی را بتوان با مدیریت تقاضا و هزینه‌های معقول حل کرد، به انتقال بین حوضه‌ای آب نیازی نخواهد بود. (دهقان منشادی و همکاران، ۱۳۹۲)

انتقال آب از یک حوضه به حوضه دیگر، در بعضی از کشورها، از جمله ایالات متحده آمریکا، شوروی سابق و چین یکی از راه‌های معمول افزایش منابع آب حوضه‌های خشک بوده است. کَنپ و همکاران (۲۰۰۳) با ارزیابی تجربی اثرات انتقال آب بر سیستم مخازن آب زیرزمینی و تولیدات کشاورزی در منطقه کرن واقع در ایالت کالیفرنیا دریافتند، از آنجا که بسیاری از مناطق کشاورزی به شدت به سفره‌های آب زیرزمینی متکی هستند، انتقال آب‌های سطحی از این مناطق به خارج از حوضه به منظور استفاده شهری و زیست‌محیطی، موجب افزایش برداشت از آبخوان‌ها و افت تراز آب زیرزمینی خواهد شد. این در حالی است که اجرای طرح، تغذیه مجدد آن را کاهش خواهد داد. مطالعات صورت‌گرفته در خصوص پروژه انتقال آب از جنوب به شمال چین بیانگر تخریب دائمی پوشش گیاهی در طول احداث سد و انتقال آب و تأثیر قابل توجه بر وضعیت هیدرولوژیکی طبیعی رودخانه، تأثیر بر آب‌وهوای محلی، انواع تالاب‌ها و ذخایر طبیعی و محیط‌زیست حوضه پایین رودخانه پس از استخراج آب بوده است (یان و همکاران، ۲۰۱۲). بدین منظور، فنچ و همکاران (۲۰۰۷) ضمن مطالعه اثرات این انتقال آب از جنوب به

شمال چین، اقدام به ارائه یک سامانه پشتیبانی در تصمیم‌گیری برای ارزیابی اثرات اجتماعی و اقتصادی طرح انتقال آب کردند. این سیستم، قابلیت تحلیل کیفی آسیب‌پذیری منابع آبی منطقه‌ای با استفاده از مدلسازی ریاضی را دارا است. همچنین این سیستم می‌تواند پویایی تعادل تقاضا و تأمین آب منطقه‌ای را بر پایه سناریوهای مختلف برای یک افق زمانی طولانی بررسی کند (کارآموز و همکاران، ۱۳۸۶). پروژه انتقال آب رودخانه ملامچی به کاتماندو پایتخت نپال جهت تأمین آب شرب و کمک به توسعه اقتصادی منطقه از دیگر تجربیات جهانی است. این پروژه، با وجود تولید سود فراوان برای جمعیت شهری، چون انتقال از یک محیط روستایی به منطقه شهری مدنظر بوده و همچنین به خاطر از هم گسیختگی سطح اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی حوضه مبدأ، خالی از جنجال نبود؛ چراکه با اجرای طرح، علاوه بر از دست رفتن زمین‌های کشاورزی و به تبع آن محصولات کشاورزی، موقعیت‌های شغلی روستاییان و جوانان منطقه نیز از بین رفته و حق توسعه فعالیت‌های وابسته به آب از جامعه روستایی در آینده نیز سلب شده است (باتارای^۱ و همکاران، ۲۰۰۲).

همان‌گونه که طرح‌های مشابه انتقال آب در کشورهای کمتر توسعه یافته (برمه) تا توسعه یافته (آمریکا و چین) نشان می‌دهد، در حوضه‌های مبدأ، چالش‌ها و مسائلی برای جوامع انسانی و فعالیت‌های مرتبط با این جوامع رخ داده است. شاخص‌های سنجش پیامدهای منفی انتقال آب در حوضه مبدأ و پیامدهای مثبت انتقال آب در حوضه مقصد و یافته‌های ناشی از پیمایش در هر دو محیط مطالعه، نشان می‌دهد که توجه و حساسیت هر دو جامعه از زمان شروع فاز اجرایی پروژه انتقال به شدت افزایش یافته است. مقایسه تطبیقی یافته‌های این پژوهش با تجربیات جهانی نشان می‌دهد که غالب نگرانی‌ها در تجربیات دیگر کشورها، زیست‌محیطی و اقتصادی بوده اما در خصوص موضوع مورد مطالعه، در کنار بروز مسائل زیست‌محیطی ناشی از این انتقال آب در حوضه مبدأ، به مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز اشاره شده است. این در حالی است که انتظار تغییرات زیست‌محیطی و اقتصادی ناشی از انتقال آب در جامعه مقصد و پاسخ مثبت پاسخگویان به این دو مؤلفه (اقتصادی و زیست‌محیطی) معقول به نظر می‌رسد. برجسته‌سازی شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی در کنار مسائل زیست‌محیطی ناشی از انتقال بین‌حوضه‌ای آب از سوی جامعه مبدأ، ریشه در بهره‌برداری از مناسبات اجتماعی استان دارد. همچنین توجه بیشتر به احتمال واکنش کشور همجوار (عراق) به این اقدام ایران، بسط یک موضوع غالباً زیست‌محیطی و اقتصادی به مسائل سیاسی - امنیتی است؛ اما از سوی دیگر، تمرکز جامعه مقصد به بهره‌برداری اقتصادی و زیست‌محیطی انتقال آب، حکایت از این دارد که مدیریت تقاضای آب در حوزه دریاچه ارومیه، از اولویت بسیار پایینی در بین مردم و مسئولین برخوردار بوده و درصدد رفع این کمبود با عرضه آب از حوضه آبریز دیگر هستند.

به طور کلی، در ارتباط با پروژه ۳۵۷۰۰ متری انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه، دو نوع نگرش کاملاً متفاوت در بین حوضه مبدأ و مقصد وجود دارد. ادراک جامعه مبدأ نسبت به این اقدام، متمرکز بر ابعاد منفی چون وقوع تنش‌های اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی می‌باشد؛ اما واقعیت امر این است که بهره‌برداران اصلی این آب انتقالی در حوزه زاب، دو شهرستان پیرانشهر و سردشت هستند که با عنایت به حجم بارش‌های دریافتی بسیار بالاتر از میانگین استانی این دو شهرستان و وضعیت توپوگرافی آنها، امکان بهره‌برداری از این حجم آب در فعالیت‌های توسعه‌ای (غالباً کشاورزی) در آنها وجود ندارد و بخش قابل توجهی از این آب رودخانه‌ها، تبدیل به آب مرزی شده و وارد عراق و سپس خلیج فارس می‌شود؛ بنابراین، در کنار تأمین منابع آب پایدار با بهره‌برداری

پایدارتر برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی، نباید این طرح را با معیارهای قومی، مذهبی و زبانی در محاق برد. بدون تردید، شهرستان سردشت به دلیل قرارگیری در بخش سفلی این رودخانه، بیشتر از شهرستان پیرانشهر تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. نگرانی دیگر ناشی از این انتقال، محدودیت‌های اعمالی از سوی مقررات و قوانین بین‌المللی علیه کشورهای مبدأ در برداشت از رودخانه‌های مشترک است؛ بنابراین، طراحان و تصمیم‌گیران این پروژه، ضمن توجه به حبابه زیست‌محیطی حوضه مبدأ از حجم آب‌های تولیدی در این حوزه، بایستی زمینه‌های توسعه فعالیت‌های صنعتی و خدماتی با وابستگی کمتر به منابع آب را در حوضه مبدأ توسعه دهند.

از سوی دیگر، با این انتقال، بخشی (هرچند نازل) از نگرانی‌های زیست‌محیطی دریاچه رو به نابودی ارومیه مرتفع خواهد شد اما برخلاف نظر جامعه مقصد در یافته‌های پیمایشی، این انتقال نباید بهانه‌ای برای استفاده بیشتر از این آب انتقالی و یا منابع آب موجود در حوضه دریاچه ارومیه به دست دهد. آشکار است که بخش قابل توجهی از بحران کمبود آب در حوضه دریاچه ارومیه، ناشی از سوء مدیریت در تولید، انتقال و مصرف بوده است. بدون تردید، امیدواری به حل مشکل دریاچه ارومیه از این پروژه انتقالی، غیرواقع‌بینانه بوده و باید، این پروژه بزرگ، تنها بخش ناچیزی از مأموریت‌های طولانی جامعه و مسئولان حوضه مقصد تلقی شود و نسبت به اتخاذ و تداوم تدابیر مدیریتی، کنترلی، ریاضتی و... در بهره‌برداری از منابع آب اقدام شود. تمرکز بیش از اندازه به پروژه و ناگوارتر از آن، پروراندن رؤیای بهره‌برداری از این آب انتقالی در اذهان مردم و مدیران حوضه مقصد و تخصیص بخش ناچیزی از این آب به دریاچه ارومیه، بدترین سناریوی ممکن خواهد بود. یادآوری دیگر برنامه‌های فراروی ستاد احیای دریاچه ارومیه و پیشرفت ناچیز آنها، تأییدکننده بخشی از نگرانی جامعه مبدأ (زاب) در این مطالعه پیمایشی است که به درستی، انگشت بر روی مدیریت منابع آب در حوضه مقصد گذاشته‌اند.

نتیجه‌گیری

پروژه انتقال آب از حوضه آبریز زاب به دریاچه ارومیه، از جمله مهم‌ترین مصوبات ستاد احیای دریاچه ارومیه است که برخلاف بسیاری دیگر از طرح‌های این ستاد، شکل عملیاتی و اجرایی به خود گرفته است. حوضه مبدأ به واسطه برخورداری از منابع آب (به‌ویژه سطحی) از یک سو و ظرفیت تعریف‌شده پایین مصرف در بخش‌های زیست‌محیطی، سکونتگاهی و فعالیت (کشاورزی و صنعت)، دارای آب مازاد و ایجاد جریان‌های خروجی آب‌های سطحی به آن سوی مرز می‌باشد. از این رو، نگرانی ایجاد شده در حوضه مبدأ، بیشتر از آنکه تحت تأثیر واقعیات و پیش‌بینی‌های دقیق مصرف در حال و آینده باشد، متأثر از فضای روانی ناشی از این اقدام است. حوضه مبدأ به دلیل شرایط اقلیمی و توپوگرافیکی، ضمن برخورداری از میزان بالای بارش و ایجاد جریان‌های سطحی با دبی بالا، قادر به استفاده از تمام منابع آب سطحی نبوده و بخش قابل توجهی از جریان‌های سطحی در فصل زمستان و بهار از مرز خارج و وارد عراق می‌شود؛ بنابراین، اصل مدیریت این بخش از آب خروجی از کشور از طریق انتقال بین حوضه‌ای از جمله اقدامات مطابق با اسناد بالادستی بخش آب در خصوص مهار و هدایت آب‌های خروجی از مرزهای کشور است.

تحلیل نتایج منفی ناشی از این انتقال در حوضه مبدأ نشان می‌دهد که انگیزه غالب برای مخالفت و گاه بزرگ‌نمایی پیامدهای منفی این انتقال در بُعد اجتماعی - فرهنگی، ریشه در شرایط قومی، زبانی و مذهبی متفاوت دو بخش مبدأ و مقصد انتقال آب دارد. در ارتباط با بروز پیامدهای منفی سیاسی - امنیتی در حوضه مقصد به واسطه انتقال آب، تبعات بین‌المللی آن، بیش از نگرانی‌های امنیتی در حوضه مبدأ در داخل کشور است؛ اما نگرانی‌های اقتصادی ناشی از این انتقال در حوضه مبدأ به دلیل توسعه کشاورزی (به‌ویژه کشاورزی صنعتی)، تا حدود زیادی، معقول به نظر می‌رسد. در یک دهه اخیر، بخش قابل توجهی از زمین‌های کشاورزی (غالباً دیم) این

منطقه به زیر کشت آبی (زراعی و باغی) رفته است. توسعه شبکه‌های آبرسانی به مزارع و باغات در محورهای جلدیان به پیرانشهر و پیرانشهر به سردشت گواهی بر این مدعاست. در خصوص پیامدهای زیست‌محیطی انتقال آب، تبدیل رودخانه‌های دائمی به فصلی در حوزه مقصد، محتمل‌ترین گزینه بعد از بهره‌برداری از تونل انتقال آب خواهد بود.

برخورداری سکونتگاه‌ها، فعالیت‌های اقتصادی، عرصه‌های زیست‌محیطی (به‌ویژه دریاچه ارومیه) از یک منبع حیاتی برای توسعه، مهم‌ترین پیامد مثبت ناشی از این انتقال می‌تواند باشد؛ اما وسعت و دامنه مشکلات ناشی از کمبود آب در حوضه مقصد به اندازه‌ای بالاست که انتظار زیاد از این پروژه انتقال برای مرتفع ساختن آنها، غیر کارشناسانه و غیر منطقی به نظر می‌رسد. در بدنه اجرایی امور، امیدواری بالا به این پروژه و تمرکز بخش قابل توجهی از برنامه‌های ریز و درشت ستاد احیای دریاچه ارومیه به انتقال آب از زاب به دریاچه ارومیه، باعث کم‌توجهی و تداوم سوء مدیریت به گزینه‌های مهم و کلیدی برنامه‌ریزی شده در داخل حوضه مقصد شده است. بازگشایی مسیر آبراهه‌های ورودی به دریاچه و تالاب‌های جنوبی دریاچه ارومیه و تسهیل در انتقال آب به دریاچه، ساماندهی چاه‌های حوضه آبریز دریاچه ارومیه و نصب کنترلر هوشمند، تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه، جلوگیری از برداشت غیر مجاز از آب‌های سطحی، جلوگیری از توسعه سطح اراضی کشاورزی در حوضه با استفاده از ساز و کارهای تشویقی و تنبیهی متناسب، مدیریت نهاده‌های کشاورزی در حوضه با توجه به محدودیت منابع آب و عدم واگذاری این نهاده‌ها به بهره‌برداران غیر مجاز منابع آب، آیش‌بندی کشت‌های یک‌ساله با اعمال محدودیت عرضه آب و تدوین و اجرایی کردن الگوی کشت مناسب برای هر منطقه، عملیات آبخیزداری با تأکید بر آبخوان‌داری جهت تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی حاشیه دریاچه، توقف کلیه طرح‌های سدسازی در دست مطالعه و اجرایی و طرح‌های شبکه‌های آبیاری و آبرسانی پایین دست در حوضه آبریز دریاچه ارومیه، تنها بخشی از سیاست‌ها و مصوبه‌های در نظر گرفته شده جهت احیای دریاچه ارومیه است که در مواردی، پیشرفت برنامه‌ها نزدیک به هیچ است.

بر همین اساس، توجه و پیشبرد سایر مصوبات ستاد احیای دریاچه ارومیه در کنار انتقال بین‌حوضه‌ای آب به مقصد، برنامه‌ریزی میان‌مدت برای کاهش ۴۰ درصدی مصرف آب بخش کشاورزی در مقصد، هدایت بخش قابل توجهی از آب انتقالی به پیکره دریاچه ارومیه و عدم تعریف مصارف دیگر برای آب انتقالی در حوضه مقصد، ارزش‌گذاری واقعی آب در فرآیند تولید و ارتقاء ارزش آن در بین نهاده‌های تولید با قید فوریت، تداوم سیاست جلوگیری از تعریف پروژه‌های جدید سدسازی در مقصد و تمرکز طرح‌های توسعه آب در بخش توسعه و اصلاح شبکه آبرسانی سدهای موجود، برآورد دقیق از مصارف تعریف شده برای سدها و اجتناب از ذخیره‌سازی مازاد بر مصرف و در نهایت، اولویت‌بندی تخصیص‌های جدید آب در حوضه مقصد به ترتیب بر اساس شرب، بهداشت، صنعت، خدمات، زراعت و باغداری پیشنهاد می‌شود.

همچنین در حوضه مبدأ، جهت کاستن از پیامدهای منفی انتقال آب به دریاچه ارومیه، رعایت عدالت اکولوژیکی، شفاف‌سازی حقایق‌ها در مقیاس مکانی و زمانی و لحاظ نمودن آنها در تحلیل‌ها و نیز شفاف‌سازی طرح از دیدگاه زیست‌محیطی و اجتماعی در جهت توجیه‌پذیری زیست‌محیطی طرح، تخصیص درصد عادلانه‌ای از منافع انتقال آب در زمان بهره‌برداری و حتی قبل از آن به حوضه مبدأ، تأمین آب کشاورزی و صنعت بر اساس ۲۵ تا ۳۰٪ آب ورودی (سطحی و زیرزمینی) در حوضه مبدأ و تخصیص سهم و حقایق محیط‌زیست حوضه مربوطه و مدیریت تخصیص آب به فعالیت‌های کشاورزی، شرب، صنعت و محیط‌زیست بر اساس استانداردهای مصرف و واگذاری امور مربوط به توزیع و مصرف آب بهره‌برداران با جهت‌گیری واقعی‌سازی قیمت آب پیشنهاد می‌شود.

منابع

- احمدیان، محمدعلی؛ اصغری، سمیرا (۱۳۹۲) عواقب زیست محیطی کاهش سطح آب دریاچه ارومیه و راهکارهای نجات آن، سرزمین، ۱۰ (۴)، صص. ۹۶-۸۱.
- اخباری، محمد؛ عبدی، عطاالله؛ مختاری‌هشی، حسین (۱۳۸۶) بررسی پیامدهای انتقال آب رودخانه‌های مرزی به حوضه‌های داخلی، مورد: رودخانه زاب کوچک، همایش مرز، ارومیه.
- اخوان، سمیرا؛ جودی حمزه‌آباد، آیدین (۱۳۹۴) شبیه‌سازی جریان ورودی به دریاچه ارومیه با استفاده از مدل SWAT، علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، علوم آب و خاک، ۱۹ (۷۲)، صص. ۳۴-۲۳.
- حلبیان، امیرحسین؛ شبانکاری، مهران (۱۳۸۹) مدیریت منابع آب در ایران (مطالعه موردی: چالش‌های انتقال آب از بهشت‌آباد به زاینده‌رود)، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- خدابخشی، بهناز؛ خدابخشی، فرناز (۱۳۸۵) انتقال بین‌حوضه‌ای آب، رویکردی پایدار در مدیریت منابع آب کشور، دومین کنفرانس مدیریت منابع آب، دانشگاه اصفهان.
- خلیلی، کیوان؛ احمدی، فرشاد؛ فروزنده، ایمان؛ بهمنش، جواد (۱۳۹۱) نقش تغییر اقلیم بر انتقال آب بین‌حوضه‌ای (مطالعه موردی حوضه زاب و دریاچه ارومیه)، همایش ملی انتقال آب بین‌حوضه‌ای (چالش‌ها و فرصت‌ها)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.
- دفتر کشاورزی و آب اتاق ایران (۱۳۹۲) ارزیابی وضع موجود بخش آب، دفتر کشاورزی و آب اتاق ایران.
- دهقان منشادی، حمیدرضا؛ نیک‌سخن، محمدحسین؛ اردستانی، مجتبی (۱۳۹۲) برآورد آب مجازی حوضه آبخیز و نقش آن در سامانه‌های انتقال بین‌حوضه‌ای، مهندسی آب، ۶ (۱۹)، صص. ۱۱۴-۱۰۱.
- سعیدی‌نیا، مه‌ری؛ صمدی بروجنی، حسین؛ فتحی، روح‌ا... (۱۳۸۷) بررسی طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای با استفاده از مدل WEAP (مطالعه موردی: تونل بهشت‌آباد)، پژوهش آب ایران، ۲ (۳)، صص. ۴۴-۳۳.
- سمیعی، محمدجواد؛ فشایی، محمد؛ رسولی، محمدبهنام؛ زینلی، مهدی (۱۳۹۱) بررسی لزوم توجه به نگرش مردم نسبت به کمبود آب در اجرای طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای، همایش ملی انتقال آب بین‌حوضه‌ای (چالش‌ها و فرصت‌ها)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.
- صفوی، حمیدرضا (۱۳۹۱) انتقال آب به حوضه زاینده‌رود یک انتخاب یا یک ضرورت، همایش ملی انتقال آب بین‌حوضه‌ای (چالش‌ها و فرصت‌ها)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.
- عباسی، مهدی؛ رضازاده، علیرضا (۱۳۹۲) تونل انتقال آب گلاس جهت احیای دریاچه ارومیه، سی و دومین گردهمایی و نخستین کنگره بین‌المللی تخصصی علوم زمین، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.
- علی‌محمدی، رحیم (۱۳۹۱) انتقال آب بین‌حوضه‌ای و ارائه راهکارها، همایش ملی انتقال آب بین‌حوضه‌ای (چالش‌ها و فرصت‌ها)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.
- قبادی، فاطمه؛ ثقفیان، بهرام؛ عراقی‌نژاد، شهاب (۱۳۹۳) تعیین آستانه خشکسالی ابزار مدیریت واقع‌بینانه منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه، تحقیقات منابع آب ایران، ۱۰ (۳)، صص. ۷۶-۶۶.
- قدرت‌نما، قهرمان (۱۳۸۳) انتقال حوضه به حوضه‌ای آب معیارها و سیاست‌ها، سمینار انتقال آب بین‌حوضه‌ای و نقش آن در توسعه پایدار کشور، دانشگاه صنعت آب و برق، تهران.
- قنوتی، عزت‌الله؛ خضری، سعید؛ طالب‌پور، داوود (۱۳۹۴) ارزیابی اثرات انتقال آب بین‌حوضه‌ای بر مخازن آب زیرزمینی و نشست زمین (مطالعه موردی: انتقال آب رودخانه زاب به دریاچه ارومیه)، پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی، ۴ (۲)، صص. ۴۴-۲۹.

کارآموز، محمد؛ مجاهدی، سیدعلی؛ احمدی، آزاده (۱۳۸۶) ارزیابی اقتصادی و تعیین سیاست‌های بهره‌برداری انتقال بین حوضه‌ای، تحقیقات منابع آب ایران، ۳ (۲)، صص. ۱۰-۲۵.

محمدرضایور طبری، محمود (۱۳۹۰) بهره‌برداری تلفیقی از منابع آب سطحی و زیرزمینی با رویکرد انتقال آب بین حوضه‌ای: محدوده مطالعاتی پیرانشهر، آب و فاضلاب، ۲۲ (۴)، صص. ۱۰۳-۱۱۳.

مخدوم، مجید (۱۳۹۲) شالوده آمایش سرزمین، چاپ چهاردهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

مددی، ابوالفضل؛ کمالی، حسین؛ فراهانی، ابراهیم (۱۳۸۹) نگاهی اجمالی بر آب برای توسعه پایدار در خاورمیانه، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.

هاشمی، سید علی اصغر؛ کاشی، حامد؛ رحمانی، محمود (۱۳۹۳) پارادایم انتقال آب بین حوضه‌ای در مناطق خشک و آمایش سرزمین، اولین همایش ملی رویکردهای نوین آمایش سرزمین در ایران، سمنان.

یازرلو، بهناز؛ ذاکری‌نیا، مهدی (۱۳۹۱) انتقال آب بین حوضه‌ای: بررسی فرصت‌ها و چالش‌های مرتبط با انتقال آب، همایش ملی انتقال آب بین حوضه‌ای (چالش‌ها و فرصت‌ها)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.

- Bergkamp, G., Diphoom, B., Trommsdorf, C. (2015) **Water and Development in the Urban Setting**, International Water Institute (SIWI).
- Bhattarai, M., Pant, D., Molden, D. (2002) **Socio-Economics and Hydrological Impacts of Intersectoral and Interbasin Water Transfer**, Melamchi Water Transfer Project in Nepal.
- Cox, W. E. (1999) **Determining When Interbasin Water Transfer Justified: Criteria for Evaluation**, Proceeding, International Workshop on Interbasin Water Transfer, UNESCO, Paris.
- Fenga, S., Lib, L. X., Duana, Z. G., Zhangc, J. L. (2007) Assessing the Impacts of South-to-North Water Transfer Project with Decision Support Systems, **Decision Support Systems**, 42 (4), pp. 1989-2003.
- Harlin, J., Kjellén, M. (2015) **Water and development in the urban setting International Water Institute**, SIWI, ISSN: 1404-2134 Stockholm.
<http://ulrp.sharif.ir/projects-monitoring>
- Karakaya, N., Evrendilek, F., Gonenc, E. (2014) Interbasin Water Transfer Practices in Turkey, Ecosystem & Ecograph, **Ecosystem & Ecography**, 4(2), pp 1-5.
- Karamouz, M., Mojahedi, S. A., Ahmadi, A. (2010) Interbasin Water Transfer: Economic Water Quality-Based Model, **Irrigation and Drainage Engineering**, 136 (2), pp. 90-98.
- Knapp, K. C., Weinberg, M., Howitt, R., Posnikoff, J. F. (2003) Water Transfers, Agriculture, and Groundwater Management: A Dynamic Economic Analysis, **Environmental Management**, 67(4), pp. 291-301.
- Motiee, H. (2000) **The Study of Impacts of Transferring Water from Wet Regions to Dry Regions in Iran**, PWIT-Water and Waste Water Eng. DEPT. Tehran, Iran.
- White, G. (1977) **Comparative Analysis of Complex River Development, in Environmental Effect of Complex River Development**, Gilbert White (editor), West View Press, Boulder, Colorado.
- Yan, D. H., Wang, H., Li, H. H., Wang, G., Qin, T. L., Wand, D. Y., Wang L. H. (2012) Quantitative Analysis on the Environmental Impact of Large-Scale Water Transfer Project on Water Resource Area in a Changing Environment, **Hydrology and Earth System Sciences**, 16, pp. 2685-2702.

